

# بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

## وحدت در سیره رسول اکرم(ص) و امام جعفر صادق(ع)

وحدت در دو محور اساسی تحت عنوان وحدت در سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و وحدت در سیره امام صادق علیه السلام مورد بررسی قرار می گیرد.

## الف) وحدت در سیره پیامبر اکرم(ص)

در سیره پیامبر مکرم اسلام، وحدت امت اسلامی از اصول و ارزش های مورد تأکید بوده است؛ از منظر آن حضرت، عزت و اقتدار و پیشرفت همه جانبه مسلمانان در پرتو وحدت و هم بستگی، در برابر دشمنان مشترک است. پیامبر اکرم(ص)، وحدت امت اسلامی را از راهبردهای بنیادین اقتدار امت اسلامی در تمام زمان ها و مکان ها دانسته است و برای برپایی و تحقق بخشیدن آن، تلاش های فراوانی نموده اند به گونه ای که اقتدار و عزت جامعه نو پای اسلامی در عصر رسالت، به خاطر وحدت و راه کارهای ارایه شده از سوی پیامبر خاتم(ص) بوده است.

اساس گسترش اسلام نیز، به خاطر وحدت میان مسلمین و مبارزه شدید با هرگونه اختلاف و درگیری بود؛ یعنی دعوت به وحدت یکی از عوامل جلب

مردم به سوی اسلام و گسترش ندای اسلام در جزیره العرب و بعد در کشورهای مختلف بود.

### سیره پیامبر در ساماندهی یترب

پیامبر(ص) با ورودش به مدینه با ایجاد پیمان میان اوس و خزرج، وحدت اسلامی را تحقق بخشید و با رشد عواطف انسانی و معیارهای دینی، وحدت جامعه آن زمان را بیمه کرد.

در ذیل آیه شریفه ۱۰۳ آل عمران، طبری در روایتی می نویسد: خدای عالم دین اسلام را آورد و به برکت دین اسلام الفت و برادری میان مردم برقرار کرد، و تمام مردم را در گرد اسلام جمع نمود و آنها را به برادری دعوت کرد که یکی از مهم ترین آنها دو تا از قبائل بزرگ مدینه، اوس و خزرج بودند که با آغوش باز از اسلام استقبال کردند در حالی که ۱۲۰ سال بین این دو قبیله جنگ و غارت حاکم بوده است. (جامع البیان طبری ج ۴ ص ۶۴).

در نقلی دیگر آمده است که نبی مکرم بخشی از آیات قرآن را برای آنها قرائت کردند، الفت و برادری و یکپارچگی جامعه اسلامی را از منظر قرآن برای آنها تشریح و تفسیر نمودند، و بعد از این سخنرانی، برخی شیوخ و بزرگان مدینه عرضه: «داشتند یا رسول الله! آنچه شر و فساد و اختلاف میان قوم خزرج و اوس است که در میان هیچ قومی این چنین آتش اختلاف شعله ور نیست با

این سخنان زیبا که شما برای ما بیان کردید و با این آیات قرآنی، ما امیدواریم که خدای عالم به برکت تو و به برکت دین تو و قرآن تو این آتش اختلاف را میان این دو قوم خاموش کند و میان آنها الفت برقرار کند». حاصل این چند روایت این است اصلاً بنای قبول مردم مدینه از اسلام و استقبال آنان از آئین مقدس اسلام و قرآن تلاش مجدانه پیامبر اکرم(ص) و دعوت اسلام به وحدت و نهی از هرگونه تفرقه و اختلاف بوده است.

### ایجاد برادری

هم‌چنین پیامبر(ص) با نفی تعصبات ملی و نژادی و با استفاده از ظرفیت موجود جامعه و نقش مؤثر و سازنده‌ی کعبه برای تحقق وحدت اسلامی تلاش نمودند؛ با اعلام حمایت از قشر محروم و ستم‌دیده، آنان را به مرکز واحدی هدایت نمودند و با این طریق پایه‌های وحدت امت اسلامی را نهادینه کرد. با تحمل، مدارا و گذشت از مسایل شخصی به خاطر مصالح امت، وحدت اسلامی را تحقق بخشید.

به طور مثال با ایجاد قراردادهای اخوت و برادری در میان مهاجر و انصار، اخوت و برادری را از راهبردهای اساسی در راستای تحقق وحدت اسلامی، مطرح ساخته است که یکی از کارآمدترین راهکارها بوده است به گونه‌ای که انصار برادران مهاجرشان را در اموال و خانه‌های خود شریک می‌دانستند.

پیامبر اکرم(ص) روزی در یک انجمن عمومی رو به مسلمانان کرد و فرمود:  
«تَأخُوا فِي اللَّهِ اخْوِينَ اخْوِينَ؛ دو تا دو تا با یکدیگر برادر دینی شوید.» طبق  
بیان سیره ابن اسحاق، پیامبر(ص) میان یارانش (از مهاجرین و انصار) پیمان  
برادری می بندد تا دوتن دو تن در راه خدا برادر می شوند. آنگاه دست علی بن  
ابیطالب(ع) را گرفته می گوید: این برادر من است.

بدین سان رسول خدا(ص) که سرور پیامبران و امام پرهیزگاران و فرستاده  
پروردگار عالمیان است و در میان بندگان خدا همتا و همانندی ندارد با علی بن  
ابیطالب(ع) که اسوه متقین است برادر می شود. حمزه پسر عبدالمطلب که شیر  
خدا و شیر پیامبر(ص) و عموی او است با زیدبن حارثه که آزادشده  
پیامبر(ص) است، برادر می شود چنان که حمزه در جنگ احد وقتی کارزار آغاز  
می کند وصیت می کند که اگر کشته شد، زیدبن حارثه میراث دار وی خواهد  
بود. جعفر بن ابیطالب ملقب به ذوالجناحین «پرنده بهشت» با معاذبن جبل که از  
قبیله بنی سلمه است برادر می شود.

## راهکارهای امروز

بدون تردید امت اسلامی نیز که به عنوان امت محمد(ص) شناخته می شوند،  
باید رسالت گسترش دعوت او را تا توسعه امت واحده الهی در تمام جهان  
گسترش دهند. لذا با توجه به سیره نبوی و دستوراتی که از آن بزرگوار رسیده

است، برای رسیدن به وحدت امت اسلامی در زمانه و عصر کنونی، راههای عملی ذیل نیز پیشنهاد می شود:

۱. مراجعه به قرآن، سنت و سیره نبوی و عترت رسول خدا(ص) که همواره مسلمانان را به وحدت و همبستگی تأکید کرده اند.
۲. تحمل نظرات مخالف ومدارا با پیروان مذاهب.
۳. دوری از تعصبات گوناگون ملی، قومی و نژادی.
۴. آشنائی شیعه و سنی از آراء و نظریات علمی یکدیگر با مطالعه کتب مربوط به یکدیگر.
۵. تعامل اندیشمندان فرقه های گوناگون اسلامی و گفتگوهای علمی جهت رفع سوء تفاهم ها.
۶. آشنائی با توطئه های دشمن برای ایجاد اختلاف.
۷. احترام به مقدسات یکدیگر.
۸. دوری از تهمت وافترا نسبت به یکدیگر.
۹. کنترل افراد تند رو که موجب نفاق و تفرقه می گردد.
۱۰. تقویت نقطه های مشترک.

۱۱. ایجاد مراکز آموزشی پژوهشی مشترک.

۱۲. ایجاد رسانه های پیام رسانی مشترک، برای تقویت روح وحدت طلبی، پیام

رسانی سالم.

روشن است این راهکارها با مجاز دانستن فعالیت علمی اثبات حقانیت و نیز پذیرش حاکمیت تشیع در کشوری مانند ایران اسلامی و تقبیح حرکت های منافی با آن هیچگونه مغایرتی نخواهد داشت.

**(ب) وحدت در سیره امام صادق(ع)**

**امام صادق(ع) بزرگترین منادی وحدت**

اگر امام صادق(ع) در زمان ما می زیستند، چه دستوری برای ما مسلمانان در رابطه با این چنین توطئه های شومی ارائه می دادند! لازم نیست چنین فرضی کنیم چراکه امام صادق(ع) با علم امامت خود چنین روز دنیای اسلام را مشاهده می کردند که فرمودند:

به عیادت مریض های اهل تسنن بروید!

امانت آن ها را ادا کنید!

به نفع آنان در دادگاه شهادت دهید!

در تشییع جنازه مردگان آنها حضور پیدا کنید!

در مساجد آنها نماز بگذارید!

تا بگویند که فلانی جعفری است، بگویند فلانی شیعی است که این گونه عمل

می کند و این من را خوشنود می سازد!

پس با این توصیف بعد از قرآن و پیامبر اسلام(ص)، امام صادق(ع) را به حقیقت می توان اولین منادی وحدت نامید. چراکه برای همدلی بین مسلمانان فرمودند: «من صلی معهم فی الصف الأول کان کمن صلی خلف رسول الله»

حال مقایسه ای کنیم بین این فرمایشات امام صادق(ع) و فتاوی و هابیت تکفیری و سلفی که خون مسلمین بی گناه را از زن و کودک گرفته تا پیر و جوان در عراق و پاکستان و سوریه، مباح می شمردند و کارهای خود را به قرآن نسبت می دهند و قرآن را به زیباترین شکل به زیور طبع مزین می سازند و خود را به عنوان نماینده دنیای اسلام به جهانیان معرفی می نمایند، تا ببینیم کدام با قرآن مطابقت دارد!!

قرآن کریم می فرماید:

«واعتصموا بحبل الله جمیعا ولا تفرقوا»

«إنما المؤمنون إخوة»

«من الذین فرقوا دینهم شیعا کل حزب بما لديهم فرحون»

«ولا تقولوا لمن ألقى إليكم السلام لست مؤمنا تبتغون عرض الحياة الدنيا»

## وحدت در عین تولی و تبرا

ما شیعیان نیز باید مواظب باشیم تا مبادا همان‌طور که وهابیت به اسم توحید به دنیای استکبار خدمت‌های شایانی را ارائه می‌دهد، ما نیز به اسم تولی و تبری افعالی را مرتکب شویم که همان نتیجه‌ای را که استکبار جهانی از رفتار وهابیت صید می‌نماید از رفتار ما نیز به دست بیاورد!

ناگفته نماند که این مطالب به معنی تضعیف تبری و تولی هرگز نمی‌باشد چراکه تبری نه تنها با وحدت منافات ندارد بلکه باعث استحکام آن و مؤید آن نیز می‌باشد چرا که تبری به معنی بیزاری جستن از دشمنان اهل بیت(ع) است یا همان اظهار براءت می‌باشد که بارزترین مصداق دشمنان اهل بیت(ع) در دنیای امروز، آمریکای جهان‌خوار و صهیونیسم خبیث می‌باشند که حتی بسیاری از مسلمین غیرشیعه نیز امروز آنرا انجام می‌دهند و تبری از دشمنان تاریخی اهل بیت(ع) نیز مستلزم اسم بردن از آنان نیست که دارای توابعی خواهد بود بلکه در این مورد نیز باید به سیره خود اهل بیت(ع) تأسی نماییم که از اسم بردن به همراه توهین از مقدسات سایر فرق و مذاهب خودداری می‌

کردند و در واقع در این مورد به دستور قرآن عمل می نمودند که می فرماید:

«ولاتسبوا الذین یدعون من دون الله فیسبوا الله عدوا بغير علم»

و به سیره جدّ بزرگوارشان امیرالمؤمنین(ع) تأسی می نمودند که در نهج البلاغه

از ایشان نقل شده که در هنگام دشنام اصحابشان به معاویه و یاران وی،

فرمودند: «إنی أکره لکم أن تکونوا سبّائین»

### دغدغه وحدت، پیروی از امام صادق(ع)

روشن است که ما هیچ منتی بر اهل سنت نداریم و دستورات امام صادق(ع) را

اجرا می کنیم و وحدت میان مسلمانان و اتحاد بین فرق اسلامی امری لازم و

ضروری است و هرچند ممکن است اهمیت این امر در شهرهای مرکزی ایران

و مناطق شیعه نشین محسوس نباشد اما در مناطق مرزی ایران و نقاطی که

شیعیان و اهل تسنن در کنار یکدیگر زندگی می کنند، هم چنین در صحنه بین

المللی و مناسبات کشورهای اسلامی با یکدیگر، وحدت و اتحاد بین مسلمین و

پرهیز از اختلافات ضرورت و اهمیت این امر به خوبی قابل درک است.

آنچه که ما باید بدان توجه داشته باشیم این است که خوبی و بدی ما به پای

مذهبمان نوشته می شود و برخورد ما به حساب مذهبمان تمام می شود و

این کار ما به عنوان جذب اهل سنت شدن نیست بلکه جذب کردن اهل سنت

است.

امام صادق(ع) نکته ظریفی را به یکی از اصحاب خود زیدبن هشام در وسائل شیعه ج ۸ ص ۴۳۰ می فرماید: طبق اخلاق آقایان اهل سنت با آنها برخورد کن و نگاه کن آنها از چه خوششان می آید، بروید داخل مساجد آنها نماز بخوانید، مریض های آنها را عیادت کنید، جنازه آنها را تشییع کنید، اگر می توانید اخلاقتان را طوری کنید که اینها بیایند پشت سر شما نماز بخوانند، برای آنها اذان بگویید، مؤذن آنها باشید (طبق اذان آنها اذان بگویید) وقتی روش شما اینطوری شد آنها می گویند اینها جعفری مذهب هستند، خدا رحمت کند امام صادق(ع) را چه شیعه های خوبی تربیت کرده، اینها همه پیروان امام صادق(ع) هستند اما اگر اخلاقتان بد شد، نمی گویند فلان آقا بد است بلکه می گویند اینها شیعیان جعفری هستند و امام صادق(ع) چه شیعه های بدی تربیت کرده.

### توضیح یک روایت

عبدالمؤمن انصاری گوید: به امام صادق(ع) عرض کردم عده ای حکایت می کنند که پیامبر اکرم(ص) طی روایتی فرمود: «اختلاف امتی رحمه»

امام صادق(ع): این روایت، صحیح است.

عبدالمؤمن گفت: منظور آن است که اگر مردم اتحاد و اتفاق را کنار بگذارند و اختلاف و نزاع نمایند، چنین کاری رحمت است و وقتی اختلاف امت،

پسندیده و رحمت باشد در نتیجه، اجتماع و اتفاقشان، عذاب و ضد رحمت خواهد بود و این صحیح به نظر نمی رسد.

امام صادق(ع) فرمود: معنی روایت چنان نیست که پنداشته اند، بلکه منظور از واژه اختلاف، تردد و آمد و شد است: «فلولا نفر من کل فرقه منهم طائفه لیتفقها فی الدین ولینذروا قومهم اذا رجعوا الیهم لعلهم یحذرون» (التوبه / ۱۲۲)

بنابراین، مراد رسول خدا از آن روایت، آمد و شد مردم میان بلاد، شهرها و کشورهاست نه اختلاف در دین و نزاع و مخاصمه در آیین و عقیده که دین حق، یکی بیش نیست.

### قرآن و پیامبر، محور وحدت

البته روشن است هر دوی قرآن و پیامبر، دست ما را به دست اهل بیت می گذارند.

طبرسی، پس از ذکر روایت در دنباله آن مطالبی از امام ششم نقل می کند که همانند یک قانون جهان شمول خط و ربط مشخص می کند و معیار ارائه می دهد.

امام صادق(ع) به نقل از رسول اکرم(ص) فرمود: «ما وجدتم فی کتاب الله عز وجل فالعمل لکم به ولا عذر لکم فی ترکه و ما لم یکن فی کتاب الله عزوجل و کانت فی سنه منی فلا عذر لکم فی ترک سنتی و ما لم یکن فیه سنه منی فما

قال اصحابی فقولوا و انما مثل اصحابی فیکم کمثل النجوم بایها اخذ اهتدی و  
بای اقاویل اصحابی اخذتم اهتدیتم و اختلاف اصحابی لکم رحمہ. قیل یا  
رسول اللہ! من اصحابک؟ قال: اهل بیتی.»

یعنی: آنچه در قرآن و کتاب خدای عزیز و جلیل می یابید باید به آن عمل کنید  
و در ترک آن عذری ندارید و آنچه در کتاب خدا نباشد (از نظر شما) ولی در  
سنت من یافت شود، عذری در ترک عمل به سنت از شما پذیرفته نیست و  
هرگاه در موردی نه در کتاب و نه در سنت من راجع به آن چیزی نیابید به  
آنچه اصحاب من گویند عمل کنید که اصحاب من مانند ستارگان اند به هر کدام  
چنگ بزنید و هر کدام را بگیرید، بر هدایت و رستگاری قرار دارید اختلاف و  
آمد و شد اصحاب من برای شما رحمت است.

از رسول اکرم (ص) سؤال شد: اصحاب شما کیستند؟

در پاسخ فرمود: اصحاب من، اهل بیت من هستند.

امام صادق (ع) در کلامی دیگر همانند سخنان گوهر بار همیشگی خویش، قاطع  
و قانونمند، ریشه بسیاری از مشاجره ها و جبهه بندی ها را خشکانده و طرح  
یک جامعه سالم و به دور از هر نوع پراکندگی و چندگانگی را ریخته است  
آن جا که فرمود: «انما الامور ثلاث بین رسته فیتبع و بین غیه فیجتنب و امر  
مشکل یرد حکمه الی الله عزوجل و الی رسوله. حلال بین و حرام بین و

شبهات یتردد بین ذلک فمن ترک الشبهات نجی من المحرمات و من اخذ  
بالشبهات ارتکب المحرمات و هلك من حیث لا یعلم»

یعنی: امور زندگانی سه قسم اند: آنچه رشد و صلاح و خوبی آن آشکار است  
پس باید دنبال شود و دوم آنچه ضلالت و فساد و بدی آن محرز است و باید  
از آن اجتناب شود و مشکلات میان این و آن که حکم آن‌ها به خدا و رسول  
واگذارم.